

نقوش سکه‌های الیمایی و ارتباط آن با دریانوردی

دکتر حسین کیان‌راد

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

(از ص ۸۵ تا ۱۰۰)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۸/۲۵

چکیده:

موقعیت جغرافیایی سرزمین الیمایی، واقع در بخشهایی از خوزستان امروزی، باعث شده بود تا این ناحیه، نقش واسطه را میان آبراهه‌هایی که به رأس خلیج فارس ختم میشدند با فلات ایران و همچنین میانرودان ایفا کند. عبور یکی از مهمترین جاده‌های بازرگانی ایران از این سرزمین در کنار باروری ناشی از جریان داشتن چندین رودخانه باعث شده بود که الیمایی به کانون اقتصادی و بازرگانی مهمی در دوره اشکانی تبدیل شود.

آثار باستانی برجای مانده از فرمانروایان محلی الیمایی همچون سنگ‌نوشته‌ها، سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای، و مهم‌تر از همه، سکه‌های فراوان، نشان از رونق این سرزمین در دوره مورد نظر دارد. وجود دو درمسرا در شهرهای سلوکیه کنار هدیفون (جراحی) و شوش (سلوکیه کنار اولاثوس) میتواند تأیید دیگری برای این رونق اقتصادی باشد. سکه‌های ضربشده در این درمسراها، متأثر از سکه‌های عصر سلوکی دارای نقوشی همچون هلال ماه، ستاره، سر اسب و نقشی لنگرگونه هستند. مسئله اصلی در پژوهش کنونی، تفسیر نقوش مذکور و چگونگی ارتباط آن با سرزمین الیمایی و فرمانروایان محلی آن است. از اینرو پیوند برخی نقوش موجود بر روی سکه‌های الیمایی با دریا و دریانوردی و ایزدان یونانی و ایرانی مرتبط با آب و رودخانه بعنوان یک فرضیه مطرح شده است. در این میان، رد پای دو ایزد پوزوئیدون و آرتمیس، پررنگتر است. ایزدبانو آناهیتا و نانایا بعنوان معادل‌های آرتمیس در ایران و میانرودان نیز قابل توجهند و اینکه بر اساس منابع نوشتاری، پرستشگاه‌های ثروتمندی متعلق به آنها در ناحیه الیمایی وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: سکه‌های الیمایی، اشکانیان، پوزوئیدون، آناهیتا، آرتمیس، آب.

مقدمه:

سرزمین الیمایی در جنوب باختری ایران و در بخشی از قلمرو عیلام کهن قرار گرفته بود و به همین دلیل نزد تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان یونانی و رومی به واژه الیمایی مشهور گردید. (Strabo, XVI.I.XVIII)

این سرزمین در محدوده‌ای واقع شده بود که از سمت خشکی سه راه به آن منتهی می‌گردید. نخست از سمت ماد و کوه‌های زاگرس، دوم از سمت شوش، و سوم از سمت پارس. بطلمیوس، مردمان واژه الیمایی را ساکن در بخش ساحلی سرزمین سوزیانا میدانند. (Ptolemy, VI. III)

بنظر میرسد نواحی کوهستانی در ایذه و بخشی از کوه‌های بختیاری هم در محدوده الیمایی قرار داشتند. قلمرو کوچک الیمایی ترکیبی از دشت و کوه بود؛ سرزمینی حاصلخیز که رودخانه‌های فراوانی در آن جاری بودند. (مارکوارت، ص ۳۲) سرزمین الیمایی در موقعیتی قرار گرفته بود که یکی از جاده‌های اصلی بازرگانی از آن می‌گذشت و بدین ترتیب، رأس خلیج فارس بواسطه این سرزمین به فلات ایران متصل می‌شد. این موقعیت برجسته زمینی و دریایی، الیمایی را به یکی از کانونهای اقتصادی و بازرگانی سلوکیان و اشکانیان تبدیل کرده بود. فرمانروایان محلی الیمایی در اواخر عصر سلوکی به ضرب سکه پرداختند و این کار را در سراسر دوره اشکانی ادامه دادند. فراوانی سکه‌های الیمایی بدست‌آمده می‌تواند خبر از رونق اقتصادی این ناحیه داشته باشد چرا که این سرزمین بر سر راه‌های دریایی و زمینی قرار گرفته بود.

تاکنون پژوهش‌های چندی راجع به سکه‌های الیمایی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به آثار ف. گ. هیل (۱۹۳۸ م)، دیوید سلوود (۱۹۸۳/۱۹۷۵ م) و جان هانسمن (۱۹۹۰ م) اشاره کرد. اما در مورد نقوش روی این سکه‌ها و تفسیر نمادهای موجود هنوز امکان مطالعات فراوانی وجود دارد. در این پژوهش، تلاش بر این است تا با استفاده از داده‌های باستان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، و منابع نوشتاری، بویژه آثار تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان یونانی و رومی، به تفسیر برخی از نقوش موجود بر روی سکه‌های الیمایی بپردازیم.

نخستین سکه‌ها و در مسراه‌های الیمایی:

با کاسته شدن از قدرت و نفوذ سلوکیان، برخی فرمانروایان محلی در الیمایی توانستند اندک قدرتی بهم بزنند و به ضرب سکه بپردازند. یکی از نخستین این شاهکها

هوکناپسس بود که در سال ۱۶۲ ق. م. سکه‌ای برنزی ضرب کرد. سکه‌های وی سبکی به کلی یونانی‌گرا داشتند. (Sellwood, pp. 299-321)

سکه‌های بعدی این دودمان از آن فردی با نام کامناسکیرس است که موفق شد افزون بر سکه‌های برنزی به ضرب سکه‌های چهار درهمی نقره نیز پردازد. این سکه‌ها نیز از سرمشق سکه‌های سلوکی پیروی میکردند. (Ibid)

هنینگ بر اساس سنگ‌نوشته‌های تنگ سروک در خوزستان به ده پادشاه الیمایی اشاره دارد که نامهایی چون کامناسکیرس، ارد، فرااتس، و خسرو دارند. وی همچنین بر اساس سکه‌های بدست آمده از این پادشاهان احتمال میدهد بیشتر این اسامی، متعلق به دسته دوم فرمانروایان الیمایی باشد که شاید شاخه‌ای فرعی از خاندان اشکانی محسوب میشدند. (Hening, p.383) در واقع، نخستین بار، این مهرداد یکم بود که در سال ۱۳۸ ق. م. وارد سرزمین الیمایی شد. (Vanden Berghe, pp.155-167)

بر اساس سکه‌های بدست آمده در منطقه الیمایی و حوزه فرمانروایی دودمانی که به کامناسکیرسها مشهور شدند مشخص میشود که دو ضربخانه، یکی در شوش (سلوکیه کنار اولائوس) و دیگری سلوکیه کنار هدیفون (جراحی) بیشتر فعال بوده است. گویا شوش توسط کامناسکیرس یکم ضمیمه قلمرو الیمایی شد و درمسرای شهر، اینبار برای پادشاه الیمایی به ضرب سکه پرداخت؛ اما چنین بنظر میرسد که پس از وارد شدن مهرداد دوم (۸۸ - ۱۲۳ ق. م.) به شوش و فعالیت ضربخانه شهر برای ضرب وی، سکه‌های مستقل الیمایی در جایی دیگر یعنی در سلوکیه کنار هدیفون ضرب شد. (Sellwood, pp. 299-321)

این مرکز الیمایی در کنار رود جراحی که از راه این رودخانه با خلیج فارس در ارتباط بود، میتوانست در چرخه بازرگانی دریایی عصر اشکانی نیز قرار گیرد.

ضرب سکه‌های نقره و برنز توسط شاهان این ناحیه باعث شد تا واژه الیمایی، نقش مؤثری در نظارت و کنترل تجارت دریایی منطقه ایفا کند. وجود پرستشگاههای ثروتمند ایزدان محلی در کنار ویژگیهای مذکور بر موقعیت اقتصادی حکومت الیمایی می‌افزود و شاید به همین دلیل بود که برخی پادشاهان سلوکی، اشکانی، و حتی اردشیر پاپکان به تسخیر آن ناحیه همت گماشتند.

نقوش روی سکه‌های الیمایی:

سکه‌خانه‌های سلوکی در ایران، همپای کاربرد خط و سبملهای یونانی، نقوشی از خدایان این سرزمین را نیز روی سکه‌ها رواج دادند. سکه‌های ضرب سلوکیه کنار هدیفون

هم متأثر از طرح‌های پیشین و همسان با طرح سکه‌های سلوکی دمتریوس و لائودیکه بودند. در بیشتر سکه‌های الیمایی به تقلید از سکه‌های سلوکی تصویر ایزدان یونانی مانند آپولون، زئوس، و آرتمیس نقش شده است. برخی از این تصاویر تا دوره‌ای از حکومت اشکانیان نیز روی سکه‌ها وجود داشت. (wiesehofer, p.119) آرتمیس یکی از ایزدانی است که نیم‌تنه آن بر پشت سکه‌های الیمایی بوفور مشاهده می‌شود. (نک: تصویرهای ۱، ۲ و ۳) بواسطه یورش‌های غارتگرانه پادشاهان سلوکی برای بدست آوردن ثروت پرستشگاه‌های الیمایی پی می‌بریم که ایزدانی چون آناهیتا (ملکزاده بیانی، ج ۲، ص ۳۱)، نانایا، آرتمیس، بعل، و آتنا دارای پرستشگاههایی در محدوده سرزمین الیمایی بوده‌اند. (واندبرگ و شیپمن، صص ۲۹-۲۰) ایزیدور خاراکسی نیز از پرستشگاههایی متعلق به آرتمیس در برخی شهرهای اشکانی چون کنگبار (کنگاور) در ناحیه ماد، و باسیلیا در میان رودان نام می‌برد. (Isidore of charax, p. 6)

بر ریتون‌های اشکانی نسا که از عاج ساخته شده‌اند نیز گاه آرتمیس را با کمانی پارتی می‌بینیم. (ماسون و یوگانکوا، ص ۸۱) شاید بتوان آرتمیس یونانی را با نانایا در میان رودان و آناهیتا (ایزد بانوی آب‌های جاری) در ایران یکی پنداشت که هر سه، ایزد بانوانی در ارتباط با باروری و آب بودند. بنظر میرسد دو ایزدبانوی آرتمیس هلنی و آناهیتای ایرانی بطور کامل با هم ادغام شده باشند. (همان، ص ۱۰۱) در ارمنستان نیز روحانیون ارمنی، تندیس یونانی آرتمیس را در پرستشگاه آناهیتای شهر اریزا قرار داده‌اند. (همان، ص ۱۰۰) تصویری از آناهیتا - آرتمیس بر یک دسته از سکه‌های اشکانی نیز نقش بسته که بسیار شبیه به آرتمیس ریتونهای نسا است. (همان، ص ۱۰۱) از جمله این سکه‌ها میتوان به سکه‌های برنزی مهرداد دوم (بزرگ)، اردوان سوم، و گودرز اشاره کرد. (ملکزاده بیانی، ج ۲، صص ۷۵، ۱۱۱ و ۱۱۶) اما بر روی سکه‌های الیمایی، افزون بر نگاره‌های ایزدان، گاه نمادهایی نیز مشاهده میشود که بنظر میرسد آنها هم در ارتباط با همان ایزدان باشند و در واقع، نمادی برای هر یک از آنها بشمار می‌روند. برای نمونه بر سکه‌های ضرب شوش، نقش سر یک اسب، و بر روی سکه‌های ضرب سلوکیه کنار هدیفون، نقشی لنگرگونه دیده میشود. این نشانها که از دوران حکومت سلوکیان بر سکه‌های الیمایی نقش بسته بود تا دوران اشکانیان نیز همچنان بکار میرفت. (همان، ج ۲، ص ۸۱) برخی بر این باورند که این نمادها، نشانه‌های ضرابخانه‌ای ویژه در هر یک از این شهرهاست. (Hensman, pp.1-6)

اما سکه‌هایی نیز در دست است که جای این دو نماد بر آنها عوض شده است و

نشان می‌دهد که این سکه‌ها می‌تواند فراتر از یک نشان ضربخانه‌ای باشد. همچنین پیش از این بر برخی سکه‌های اسکندر که به «ضرب آسیایی» مشهورند نیز نقوشی چون عقاب، نیم‌تنه اسب، خوشه گندم، یا لنگر مشاهده می‌شود. (ملکزاده بیانی، ج ۱ ص ۱۴۰) از سلوکوس یکم (حکومت: ۳۱۲ - ۲۸۰ ق.م.) نیز سکه‌هایی برجای مانده که در یک‌طرف آن، نیم‌تنه اسب و در دیگرسو نقش لنگر نقر شده است. (همان، ج ۱، ص ۱۴۵)

افزون بر دو نماد سر اسب و نقش لنگرگونه، بر سه درهمی‌های الیمایی، نقوش دیگری چون عقاب، هلال ماه، و ستاره (نک: تصویر ۳) نیز وجود دارد که تاکنون برای آنها نیز تفسیرهای متفاوتی ذکر شده است.

تفسیر نقوش:

تاکنون تفاسیر گوناگونی از نشانه‌های موجود بر روی سکه‌های الیمایی صورت گرفته است. سلوود ظهور نیم‌تنه اسب بر روی این سکه‌ها را ملهم از سکه‌خانه‌های اشکانی میدانند. (sellwood , pp.299-321) هانسمن ستاره و نشان لنگرگونه را نماد دودمانی برای کامناسکیرس‌ها در شوش می‌پندارد (Hansman, p.7). همچنین ماه و ستاره را نمادی برای اشکانیان نیز میدانند. (ملکزاده بیانی، ج ۲، ص ۴۰) برخی نیز لنگر را یکی از نشانه‌های خاص دودمان سلوکی در نظر می‌گیرند. آبیان، تاریخنگار یونانی سده دوم میلادی، به‌نقل از بطلمیوس، پسر لاگوس لنگر را نماد سلامت و امنیت میداند و می‌گوید به همین دلیل بود که سلوکوس پس از رسیدن به پادشاهی، این نماد را برای مهر انگشتری خود برگزید. (Appian, VIII.11., 9) بنا به داستانی که وی در این زمینه بیان میکند مادر سلوکوس در هنگام بارداری در خواب، قطعه آهنی که شکل لنگر بر آن نقش بوده را میبیند و وقتی بیدار میشود آن قطعه منقوش را در کنار خود مییابد (Idem).

از این‌گونه داستانها که به افسانه میماند، در اثر ژوستن نیز وجود دارد. روایت ژوستن از این افسانه چنین است که مادر سلوکوس از شوهرش باردار نشده و در واقع آپولون پدر اوست. آپولون، به‌یادگار، انگشتری به وی داد که نقش لنگر روی آن بود و هنگامی که سلوکوس هم به دنیا آمد بر روی یکی از رانهایش نقش لنگری وجود داشت و پس از او فرزندانش نیز همین نقش را بر بدن داشتند (Justin, xv.4).

افسانه‌ای بودن این داستانها تا حدودی آشکار است. آنچه این متون قصد دارند به آن اشاره کنند این است که لنگر، رمز ایزدان برای موقّیّت سلوکوس در پیشبرد هدفها و

پیروزی بر رقبای خود و تشکیل امپراتوری سلوکی پیش از زایش وی بوده است. چنانکه گفته شد پیش از سلوکوس هم نقش لنگر روی سکه‌های اسکندر وجود داشت. از سوی دیگر، نقش لنگر را با یکی از ایزدان شوش در ارتباط می‌پندارند. (Hill, p.404) در تفسیری دیگر نقش لنگرگونه را همسان با وسیله صید سنتی ماهیگیران (کنج) در کنار رود کارون و اروند (پاکزادیان، ص ۵۲)، یا نمادی از وسیله کرجی‌رانان و کشتی‌بانان میانرودان و علامت اتحاد ملوانان فرات می‌پندارند. (همانجا) در واقع، این اعتقاد نیز وجود دارد که سلوکوس پس از تسخیر بابل، این نماد میانرودانی را برای خود برگزید. (ملکزاده بیانی، ج ۱، ص ۱۴۶)

پوزوئیدون – آرتمیس / آناهیتا، ایزدانی در پیوند با آب و دریا:

با وجود کاربرد تصاویری از ایزدان یونانی (بویژه آرتمیس) بر روی ریتونهای اشکانی نسا (ماسون و پوگانکوا، ص ۱۰۳) و سکه‌های سلوکی و الیمایی و همچنین اشاره به وجود پرستشگاه‌هایی برای برخی از این ایزدان در ناحیه الیمایی، شاید ضرب نمادهایی وابسته به این ایزدان بر روی سکه‌ها نیز چندان شگفت‌انگیز نباشد؛ به این ترتیب، احتمالاً برخی نمادهای نقش‌بسته بر روی سکه‌های الیمایی، با پوزوئیدون، ایزد دریاها و ایزدبانو آرتمیس در اساطیر یونان باستان یا آناهیتای ایرانی در ارتباط هستند. در واقع نقش لنگری که بر روی سکه‌های سلوکی مشاهده می‌شود با نماد موجود بر روی سکه‌های الیمایی که آن را لنگر می‌پندارند متفاوت است و رو به بالا دارد. در صورتیکه نقش سکه‌های الیمایی به سمت پایین است. (نک: تصویرهای ۶ و ۵) این نماد بیش از آنکه شبیه لنگر باشد، همسانی فراوانی با نیزه سه شاخه پوزوئیدون دارد. (نک: تصویر ۸) این نیزه (تریدنت) نشانه اصلی پوزوئیدون بشمار میرفت که آیین وی در سراسر یونان، بویژه در شهرهای ساحلی گسترش یافته بود. (ژبران، صص ۱۶۴-۱۶۳)

پوزوئیدون نه تنها خداوندگار دریا بلکه ایزد دریاچه‌ها و رودخانه‌ها نیز محسوب می‌شد. در دوره اشکانی نیز او را با رودخانه و همچنین با سوارکاری در پیوند میدانستند. (ماسون، پوگانکوا، ص ۱۰۴) شاید قرار گرفتن ناحیه الیمایی در کرانه خلیج فارس و وجود رودخانه‌های فراوان در دشت سوزیانا باعث شده تا یونانیان تازه‌وارد به این ناحیه، آنجا را بیش از هر ایزد دیگر قلمرو متعلق به پوزوئیدون بپندارند. بنا به گزارش نئارخوس، دریاسالار اسکندر، وی و اسکندر برای به سلامت رسیدن ناوگان دریایی مقدونی (در سفر دریایی از سند به دجله) بارها حتی پیش از آغاز سفر تا هنگام رسیدن به شوش برای پوزوئیدون و دیگر ایزدان نجاتبخش قربانی می‌کنند. (see: Arrian, V. VIII (Indica)) همچنین نئارخوس به جزیره‌ای در کنار جزیره

آراکتا (کشم / قشم) اشاره دارد که وقف پوزوئیدون بوده است. (۱) (۳۷، ۳-۱، Idem) به جز کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس در کمتر جایی از ایران میتوان ردپایی از پوزوئیدون یافت. بنظر میرسد وجود آب فراوان، تأثیر زیادی در این مسئله داشته است. در سرزمین کم‌آبی همچون ایران، ناحیه خوزستان میتواندست یک استثنا باشد. شاید تنها نمونه دیگری که میتواند با این ایزد در ارتباط باشد، نگاره‌های دیواری کوه خواجه در سیستان است (Colledge, p. 163; Ghanimati, pp.137-150). در آنجا نیز نگاره ایزدی با عصایی سه شاخه بر دیوار، نقاشی شده که گاه آن را با ایزد هندی شیوا یکی می‌پندارند؛ اما اگر به موقعیت جغرافیایی کوه خواجه و قرار گرفتنش در وسط دریاچه هامون توجه کنیم شاید بتوان حضور پوزوئیدون را در آنجا بیشتر حس کرد.

نکته جالب این است که اسب نیز از حیوانات ویژه پوزوئیدون بشمار میرود و نشانه‌های فراوانی از ارتباط این ایزد با اسب و بطور کلی اسب و رودخانه (آب) وجود دارد. در یونان باستان برای تقدیس نژاد اسب به افتخار پوزوئیدون جشن میگرفتند و مردم منطقه تسالی بر این باور بودند که پوزوئیدون، اسب را با ضربه نیزه سه‌شاخه‌اش آفریده است. (ژی‌ران، ص ۱۶۴) همچنین گردونه پوزوئیدون را اسبان تیزتک با یالهای زرین و نعلهای برنزی میکشیدند. (همان، ص ۱۶۷) در داستانی اساطیری، پوزوئیدون در مبارزه با آتنا بر فراز آکروپولیس، آتنه را با نیزه سه شاخه خود بر زمین میزند و سپس به شکل اسبی بیرون میرود. وی همچنین موفق میشود مدوسا را در پرستشگاه آتنا بفریبد. اسب بالدار در اساطیر یونان که پگاسوس نام دارد از نسل مدوسا و پوزوئیدون است. (هال، ص ۲۷) همچنین در جایی دیگر ایزد دمتر خود را بگونه‌ی مادپانی در می‌آورد تا از دست پوزوئیدون بگریزد اما پوزوئیدون باز به شکل نریانی درمی‌آید و او را بدست می‌آورد. از آمیزش پوزوئیدون با وی، اسبی وحشی به نام آریون زاییده میشود که پای راستش انسانگونه است و نیز توان سخنگویی دارد. (ژی‌ران، ص ۱۶۸) همچنانکه بدان خواهیم پرداخت، ارتباط آب و اسب در مورد دو ایزدبانوی یونانی و ایرانی یعنی آرتمیس و آناهیتا نیز قابل بررسی است.

همچنین همه کسانی که در سواحل تائوریس کشتیشان به صخره برخورد میکرد برای آرتمیس قربانیهای خونینی میکردند. (همان، ص ۱۱۸) این پنداشت و ارتباط آرتمیس با دریانوردی هنگامی پررنگتر میشود که متون کلاسیک یونانی و رومی به وجود پرستشگاههایی متعلق به آرتمیس در ناحیه الیمایی و دیگر نواحی ساحلی و جزایر خلیج فارس اشاره دارند؛ برای نمونه، آریان به وجود یکی از این پرستشگاهها در

عصر اسکندر در جزیرهٔ ایکاروس اشاره دارد (Arrian, VII, 20. 2-3). امروزه یافته‌های باستان‌شناسی نیز در منطقهٔ فیلکه این موضوع را تأیید میکنند. (potts, V.2 p.165)
 هلال ماه نیز از نمادهای آرتمیسی و سلنه در یونان باستان بشمار میرود. (هال، صص ۲۲۳ و ۲۱۸) شاید بتوان نماد لنگرگونه، اسب، ماه، و ستاره را نمادهایی متعلق به پوزوئیدون و آرتمیسی / آناهیتا دانست که با رودخانه، دریا، و دریانوردی در ارتباط بودند. همچنین بر سکه‌های ضرب سلوکیه کنار دجله نیز آرتمیسی کمان‌بده را میبینیم (ملکزاده بیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) که باز میتواند در ارتباط با رودخانه و آب باشد.

بطور کلی رودخانه‌ها مورد ستایش اشکانیان بودند. گفته شده که تیرداد سوم (سدهٔ یکم ق. م) اسب سپیدی را به پیشگاه رود دجله قربانی نمود (Tacitus, VI.37). رابطهٔ اسب و رودخانه یا آب هم بسیار جالب توجه است؛ اسب، بویژه اسب سپید با میثره (مهر) و اردوی‌سور آناهیتا در ارتباط بود و پهلوانان و شخصیت‌های اساطیری ایران همیشه اسب را بعنوان پیشکش به درگاه این ایزدان تقدیم میکردند. در اساطیر ایرانی اردویسور آناهیتا دارای اسب تندرو است و همچنین گردونه‌ای با چهار اسب سپید دارد. (قلیزاده، صص ۹۳ و ۲۶) مردم روزگار باستان بر این باور بودند که ماهیت اسب از آب است. اژدها که برخی شخصیت اسطوره‌ای او را با خشکسالی در ارتباط میدانند نیز لقب «بیور اسب» (دارندهٔ ده هزار اسب) دارد. (بندهش، ص ۱۲۸) ایزد اپام نیات نیز دارای صفت «اروند اسب»، بمعنی دارندهٔ اسب تیزرو است. (قلیزاده، ص ۷۴) همچنین اپوش، دیو خشکسالی در اساطیر ایرانی نیز بصورت اسب تنفرانگیزی ظاهر میشود و در مقابل تیشتر بارانزا طی سه مرحله و در نهایت در هیئت اسبی سپید، همانند برف، بر وی پیروز میگردد. (بندهش، صص ۶۵-۶۳) اسب سپید در آیینهای اشکانی نیز نقش مهمی ایفا میکند. بیشتر این آیینها شاید در ارتباط با آب (رودخانه) بوده است. (ماسون و پوگانکوا، ص ۱۸۰) در سراسر آسیای مرکزی نیز اسبی جادویی با نام «اسپیوی» وجود داشت که بنا بر افسانه‌ها بالای کوهها در ابرها زندگی میکرد و بر ابرهای بارانزا و آب رودهایی که درون دره‌ها جریان داشتند، فرمان میراند (همان، ص ۱۸۳).

سکه‌هایی از دودمان هندو-سکایی در ایالت تاکسیلا (ناحیهٔ پنجاب و درهٔ رود سند) و نواحی شمال باختری آن بدست آمده که در واقع، تقلیدی از سکه‌های هندو-یونانی است. در این سکه‌ها نقوشی از آرتمیسی سوار بر اژدهای دو اسبه و یا نقش اسب به‌تنهایی وجود دارد (See:Senior).

همچنین مائوئیس سردودمان این حکومت، نوعی سکهٔ برنزی با نقوشی ترکیبی از

پوزوئیدون و یک ایزدبانوی باروری، ضرب و در سراسر قلمروش پخش کرد (Ibid). هنگامی که به موقعیت جغرافیایی قلمرو حکومت هندوسکایی، بویژه ایالت تاکسیلا در ناحیه پراب پنجاب رود سند توجه میکنیم شاید بهتر بتوانیم وجود ارتباطی میان این ویژگی و نقوش ایزدانی چون پوزوئیدون و آرتمیس بر روی سکه‌ها را احساس کنیم. در سنگ‌نوشته‌ای که در فیلکه (ایکاروس باستانی) در رأس خلیج‌فارس بدست آمده است نیز نام پوزوئیدون و آرتمیس در کنار هم دیده میشود (Potts, V. 2P. 184: Tod, pp. 112-11). آرتمیس و پوزوئیدون، حامی دریانوردان بودند و به همین دلیل، مسافران دریا از آنان سپاسگزاری ویژه‌ای میکردند تا از خطرات سهمناکی چون شکستن کشتی در طول سفر در امان باشند.

از سوی دیگر، وجود سمبل‌های مذکور بر روی سکه‌های الیمایی میتواند نشاندهنده پیوند این حکومت با دریا و دریانوردی باشد. وجود حجم فراوانی از سکه‌های ضرب‌شده توسط شاهان الیمایی میتواند در ارتباط با تجارت دریایی و رونق آن در عصر مورد نظر ما باشد. بیشک ناحیه الیمایی بواسطه رودهایی چون جراحی یا کارون با خلیج‌فارس و تجارت دریایی آن زمان در پیوند بود. در آغاز سده نخست میلادی تمامی پشت سکه‌های الیمایی به زمینه‌ای برای نقش زدن خطوطی که در همه‌جا پاشیده شده بود تبدیل شد. این خطوط با امواج دریا نیز یکی پنداشته شده و آن را بیانگر ارتباط و وابستگی مردم الیمایی به دریا و اقتصاد دریایی میدانند. (باکزادیان، ص ۲۹) (نک: تصویر ۷)

در سکه‌های نخستین شاهان الیمایی که بیشتر متأثر از سکه‌های سلوکی است، خط و زبان بکاررفته، یونانی بود. شاید یکی از دلایل استفاده از این خط، شرایط خاص تجارت با بازرگانان یونانی و رومی بوده است. (همان، ص ۴۰) اما در واپسین سالهای حکومت دودمان نخست الیمایی، یعنی دودمان کامناسکیرسها کم‌کم خط یونانی ناخوانا شد و بتدریج خط و زبان سکه‌ها به آرامی تغییر یافت. هر چند هنوز ممکن بود در شوش سکه‌هایی به خط یونانی ضرب شود، اما سلوکیه کنار هدیفون این تغییر را زودتر آغاز کرده بود. (همان، ص ۴۱)

بنظر میرسد با گرایش هرچه بیشتر اشکانیان به فرهنگ بومی خود و کم‌رنگ شدن عناصر فرهنگی هلنیسم که از سده نخست میلادی آغاز شده بود، تصاویر هنری باستانی نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای قرار گرفت (ماسون و پوگانکوا، ص ۸۳). در همین راستا نخست کیفیت طرح نمادهای غیرایرانی موجود روی سکه‌ها تنزل یافت و سپس همانند زبان نوشتاریشان، بتدریج کاربرد خود را از دست دادند. با بقدرت رسیدن شاخه‌ای از خاندان

اشکانی در سرزمین الیمایی این سرنوشت برای سکه‌های الیمایی نیز رقم خورد. بدین ترتیب از عصر پادشاهی مهرداد یکم تا مهرداد دوم دیگر نقش لنگرگونه، روی سکه‌ها دیده نشد و پس از ارد دوم، دیگر هیچ پادشاه اشکانی از نقش لنگر استفاده نکرد. (Hansman, p.5)

نتیجه:

بسیاری از نقوش نمادین موجود روی سکه‌های الیمایی، ریشه در باورهای مذهبی مردمان آن ناحیه دارد که خود میتواند متأثر از موقعیت جغرافیایی سرزمین الیمایی باشد. محدود شدن مرزهای جنوبی سرزمین الیمایی به کرانه‌های خلیج فارس و وجود رودخانه‌های پر آبی همچون جراحی، کارون، کرخه، و دز در این ناحیه باعث شده تا در دوره سلوکی و اشکانی، ایزدان ایرانی و یونانی مرتبط با آب، رودخانه، و دریا همچون پوزوئیدون، آرتمیس / آناهیتا بیشتر در سرزمین الیمایی مورد پرستش باشند. منابع نوشتاری، بویژه آثار تاریخنگاران و جغرافی‌نگاران یونانی و رومی نیز به وجود پرستشگاه‌های متعدد و ثروتمندی مربوط به آرتمیس / آناهیتا یا نانا یا در ناحیه الیمایی اشاره دارند.

به این ترتیب شاید بتوان نماد لنگرگونه موجود روی سکه‌های الیمایی را که با نیزه سه شاخه پوزوئیدون، ایزد دریاها در اساطیر یونان باستان، همسانی فراوانی دارد، در پیوند با این ایزد دانست. همچنین هلال ماه و سر اسب نیز از نمادهای ایزد بانو آرتمیس / آناهیتا بشمار میروند که نیم‌تنه‌اش بر پشت بسیاری از سکه‌های الیمایی دیده میشود. در واقع، اسب، پیوندی ناگسستگی با رودخانه، آب و باروری دارد. دو درم‌سرای الیمایی (سلوکیه و شوش) نیز هر دو در کنار دو رودخانه (جراحی و دز) قرار داشتند. آرتمیس و پوزوئیدون نیز هر دو حامی دریانوردان بشمار میرفتند و بعنوان میراث عصر سلوکی، پرستشگاه‌هایی در کرانه‌ها و برخی جزایر دریای پارس داشتند.

بطور کلی، وجود سمبل‌های مذکور بر روی سکه‌های الیمایی میتواند نشاندهنده پیوند این حکومت با دریا و دریانوردی باشد؛ زیرا ناحیه الیمایی بواسطه رودهای پر آب مذکور با خلیج فارس و تجارت دریایی آن زمان در ارتباط بود و از سوی دیگر نقش واسطه میان آبراهه‌های بازرگانی را که به رأس خلیج فارس منتهی میشدند با فلات ایران و میان رودان ایفا میکرد. بدست آمدن حجم فراوانی از سکه‌های ضربشده توسط شاهان الیمایی نیز میتواند با تجارت دریایی و رونق آن در عصر مورد نظر در ارتباط باشد.

تصاویر:



۱ - سکه‌ای از کامناسکیرس ششم همراه با تصویر آرتمیس در پشت سکه



۲ - سکه فراتس با نیزه سه شاخه و نقش آرتمیس کمان به دست در پشت



۳ - سه درهمی از کامناسکیرس ششم



۴ - درآخمایی از ارد دوم با نقش آرتمیس در پشت سکه



۵- سکه ارد یکم با نقش نیزه سه شاخه و هلال ماه و ستاره



۶- نقش اصلی لنگر در پشت سکه‌های سلوکی؛ مقایسه کنید با سکه‌های الیمایی



۷ - سکه ارد با نقوشی شبیه موج دریا در پشت سکه



۸ - تصویری از پوزوئیدون، ایزد دریاها با نیزه سه شاخه اش

پی‌نوشت:

۱. امروزه در سراسر نواحی ساحلی و حتی جزایر خلیج فارس و دریای عمان (از آبادان تا بندرعباس) زیارتگاه‌ها و قدمگاه‌هایی منسوب به خضر نبی وجود دارد که بنظر میرسد آنها نیز با دریانوردی در ارتباط هستند.

منابع:

- بندھش، ترجمه مهرداد بهار، نشر توس، تهران، ۱۳۸۰.
- پاکزادیان، حسن، *سکه‌های الیمایی*، ناشر مؤلف، تهران، ۱۳۸۶.
- ژیان، ف.، *اساطیر یونان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر کاروان، تهران، ۱۳۸۷.
- قلیزاده، خسرو، *فرهنگ اساطیر ایرانی*، نشر کتاب پارسه، تهران، ۱۳۸۷.
- مارکوارت، یوزف، *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*، ترجمه مریم میراحمدی، طهوری، تهران، ۱۳۸۳.
- ماسون، میخائیل یوگنیویچ و پوگاچنکووا، گالینا آناتولیونا، *ریتون‌های اشکانی نسا*، ج ۲، ترجمه شهرام حیدر آبادیان و رؤیا تاجبخش، بازتاب اندیشه، تهران، ۱۳۸۴.
- ملکزاده بیانی، تاریخ سکه، ج ۱ و ۲، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱.
- واندنبگ، لویی و کلاوس شیپمن، *نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی*، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۶.
- هال، جیمز، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۷.
- Appian , Roman History ,Books VIII ,Part II XII , Translated by Horace White , London , 1962.
- Arrian , Anabasis of Alexander , Vol VIII (Indica) , ed .a transl at by P.A. Claudius Brunt , Loeb Classical Library , Cambridge , Mass , 1976.
- Ptolemy , The Geography , translated and edited by Edward Luther. Stevenson, New York , 1991.
- Colledge , Malcolm.A.r , The Parthians,London,1967.
- Ghanimati , Soroor , New perspectives on the chronological and functional horizons of Kuh-e Khwaja in sistan , IRAN , vol XXX VIII , 2000 , PP. 137 – 150.
- Hansman, John , coins and mints of ancient elymais , IRAN , 1990, pp. 1-11.
- Hening , W.B. , “ The Monuments and Inscriptions of Tang - i Sarvak ” , Acta Iranica , Vol vi , 1977, pp. 151 – 178
- Hill , G.F , " The Coinage of the Ancient Persians" , SPA ,1938, pp.397-405.
- Justin,Cornelius Nepos and Eutropius,Translated With Notes By The John Selby Watson, London ,1853.
- Isidore of Charax: “Parthian Stations: An Account of the overland Trade Route between the Levant and India in the first Century B.C.”, London, 1914.
- Potts , D.T , The Arabian Gulf in Antiquity , vol II , Oxford , 1992.
- Sellwood, David ,“ Minor States in Southern Persia” ,in Camb. Hist. Iran III (1) 1983 , pp. 299-321.
- Senior, R. C. , *Indo -Scythian Dynasty*,Encyclopaedia Iranica , 2005.
- Strabo , The Geography of Strabo ,(the loeb classical library) , translated by horace leonard jones , vol 5 (books X ,XI , XII) , harvard university , london , 1961.
- Strabo , The Geography of Strabo ,(the loeb classical library) , translated by

Horace leonard jones , vol 7 (books XV , XVI) , harvard university ,
london , 1930.

Tacitus, "The Annals", Vol. II, London, 1830.

Tod , M. N , " A Greek Inscription from the Persian Golf " , JHS 63 ,
1945 , 112 – 113.

Vanden Berghe , L., Le relief parthe de Hung-i Nauruzi , Iranica Antiqua, 3
(1963) p.155-167.

Wiesehofer , Josef , Ancient persia (from 550 B.C to 650 A.D) ,translated by
Azizeh Azodi , London . Newyork, 1996.